

«کوچ»، چطور به زندگی حاج قاسم نزدیک شد؟

نشست پرسش و پاسخ فیلم سینمایی «کوچ» ساخته محمد اسفندیاری در چهارمین روز جشنواره ملی فیلم فجر در سالن پردیس ملت برگزار شد.

مهدی مطهر، نویسنده و تهیه‌کننده، محمد اسفندیاری نویسنده و کارگردان، علی رادمش بازیگر، پیمان محمدی طراح صحنه و ابوالفضل آینه‌نگینی بازیگر نوجوان این فیلم حضور داشتند.

محمد اسفندیاری، کارگردان اثر توضیح داد: فیلم ما پروسه فشرده‌ای داشت. ساخت «کوچ» از فیلم کوتاه «۱۳ سالگی» استارت خورد و ایده ابتدایی آن از کتاب «باران گرفته است» بود که فیلم کوتاه ساخته شد و ما را بر آن داشت تا فیلم بلند آن را بسازیم. مطهر، تهیه‌کننده کار گفت: کل پیش تولید ما طی ۲ تا ۳ ماه انجام شد و همه تلاشمان را کردیم فیلم به جشنواره امسال برسد. اگر زمان بیشتری داشتیم هم هزینه‌ها کمتر می‌شد هم در اجرا کار بهتری انجام می‌شد. وی اضافه کرد: فیلم ما تنها فیلم اقتباسی جشنواره است و خود کتاب حاصل خاطرات متنوع درباره حاج قاسم بود که را کوردهای درست و جالبی را فراهم کرد.

وی ادامه داد: لوکیشن ما در منطقه‌ای در ساوجبلاغ است که همه لوکیشن ساخته شد تا شبیه به روستای قنات ملک محل تولد حاج قاسم در بیاید.

اسفندیاری در خصوص شباهت بخش‌هایی از فیلمش به «بچه مردم» گفت: قبل از «بچه مردم» هم وس اندرسون از این سبک استفاده کرد. ما نخستین فیلمسازها نیستیم و قطعاً هر اثری ممکن است شباهت‌هایی با آثار پیش از خود داشته باشد. کارگردان «کوچ» درباره ساختار فیلم تصریح کرد: سعی کردیم ساختار شکنانه به ژانر بیوگرافی نگاه کنیم و هیچ‌گاه پیشینه قهرمان را در قصه مرور نمی‌کنیم. اگر شخصی قهرمان می‌شود پیشینه‌ای داشته و در خانواده‌ای رشد کرده که باید آن را هم ببینیم. وی اضافه کرد: پیشینه آدم‌های بزرگ از لحظه قهرمانی مهم‌تر است. لحظه قهرمانی لزوماً اصالت ندارد این‌که چه مسیری را طی کرده دراماتیک‌تر است. طراح صحنه نیز در ادامه عنوان کرد: ما از قبل باید یک مایه‌زایی را با توجه به چیزهایی که از قبل وجود داشته ایجاد می‌کردیم. از زادگاه حاج قاسم و کرمان که با عکس‌ها، فیلم‌ها و فرانس‌ها سعی کردیم درست اجرا کنیم. آینه‌نگینی، بازیگر فیلم نیز گفت: با توکل به خدا و زحمت کارگردان توانستم این نقش را اجرا کنم. در فیلم «۱۳ سالگی» اعلام شد این اثر پیش‌پرداختی از یک فیلم بلند است و کم‌کم با نقشم خو گرفتم. من اصالتاً در همان روستایی بزرگ شدم که حاج قاسم بزرگ شد. اسفندیاری با اشاره به اینکه چرا باید از بازیگران چهره استفاده می‌کردم، گفت: ما دنبال واقعیت و سینما بودیم دنبال موج سواری روی حضور بازیگران نبودیم. اگر ۱۰ بار دیگر هم سفارش ساخت این پروژه را داشته باشم با همین کست فیلم را خواهم ساخت.



زمن‌های گه تا مدت‌ها در ذهن می‌ماند

محمد حسین مهدویان در «نیم‌شب» ترجیح می‌دهد تاریخ را از شکاف‌ها و از لحظه‌های ظاهر کم‌اهمیت اما تعیین‌کننده روایت کند

◀ مریم پیرکاری - روانشناس بالینی



«نیم‌شب» فیلمی است به ظاهر ساده اما در بنیان، سخت و پیچیده؛ روایتی فشرده که در ۲ ساعت، تنها چند ساعت کوتاه از دو بیست و هشتاد و هشت ساعت جنگ با اسرائیل را پیش چشم مخاطب می‌گذارد. انتخاب این برش زمانی، خود یک موضع‌گیری است: مهدویان علاقه‌ای به بازگوایی کلان روایت‌های پرطمطراق ندارد؛ او ترجیح می‌دهد تاریخ را از شکاف‌ها، از لحظه‌های ظاهر کم‌اهمیت اما تعیین‌کننده روایت کند. مهدویان بار دیگر به سراغ قصه‌ای واقعی رفته است، اما نه از دریچه سیاست یا قهرمان‌سازی رسمی بلکه از زاویه‌ای اجتماعی و انسانی. نیم‌شب بیش از آنکه درباره «جنگ» باشد، درباره «مردم در وضعیت جنگی» است. دوربین، به جای تمرکز بر مرکز، بر حاشیه‌ها می‌ایستد؛ بر آدم‌هایی که قرار نیست قهرمان باشند، اما ناگزیر در دل تاریخ قرار گرفته‌اند. تمرکز فیلم بر افراد و کاراکترهاست؛ شخصیت‌هایی که هر کدام جزئی از یک کل‌اند و در کنار هم، پازلی منسجم از یک تجربه جمعی می‌سازند.

مهدویان به خوبی می‌داند که فهم یک رویداد بزرگ، تنها از مسیر زیست فردی ممکن می‌شود. بنابراین روایت را خرد می‌کند، آن را به بدن، صدا، نگاه و تصمیم‌های کوچک انسان‌ها می‌سپارد. نیم‌شب امضای مهدویان را با خود دارد. از دکوربازی حساب‌شده و پرزنیسک، تا پرهیز آگاهانه از اغراق‌های فرمی و جسارت در سپردن نقش‌های کلیدی به بازیگران غیر معروف؛ انتخابی که نه از سر محدودیت، بلکه از سبک‌ناور به «واقعی بودن» جهان فیلم است. این انتخاب‌ها باعث می‌شود تماشاگر، به جای دیدن یک فیلم بازسازی شده، احساس حضور در موقعیت را تجربه کند.

مهدویان مانند فیلم‌هایش جسور است؛ جسور در انتخاب سوز، در فرم روایت و در ایستادن میان دو قطب خطرناک شعارزدگی و بی‌موضوعی. او نه تاریخ را خنثی روایت می‌کند و نه آن را به ابزار تبلیغ فسر می‌کاهد. همین تعادل دشوار است که آثارش را ماندگار می‌کند. مهدویان خودش، اندیشه‌اش و فیلم‌هایش، منحصر به فردند؛ نه به دلیل تفاوت نمایی بلکه به خاطر اصرار بر دیدن جهان از زاویه‌ای که کمتر دیده شده است. نیم‌شب ادامه همین مسیر است: سینمایی که به جای فریاد زدن تاریخ، آن را زمزمه می‌کند؛ اما زمزمه‌ای که تا مدت‌ها در ذهن می‌ماند.

